

گفت‌وگو

نشست صهیبی با استاد احمد صافی
تاریخ گویای تحول مشاوره و راهنمایی در ایران

فراز و فرود راهنمایی تحصیلی در آموزش و پرورش ایران

ملیکا علی‌مرادی

اشاره

توجه به تاریخچه مشاوره و راهنمایی، به منظور شناخت وضعیت موجود، بسیار ضروری است. با توجه به اینکه این تاریخچه، دست‌کم از آنجایی که در نظام آموزشی کشور پیدایش یافته، زیاد طولانی و دور از دسترس نیست، ضروری است فرصت را غنیمت شمرده و با مراجعه به افرادی که در جریان آن بوده‌اند، به معرفی آن بپردازیم.

استاد احمد صافی از اولین دانش‌آموختگان رشته مشاوره در کشور هستند. ایشان به دلیل قرار گرفتن در موقعیت‌های گوناگون در آموزش و پرورش، تاریخ گویای تحول مشاوره و راهنمایی در کشور محسوب می‌شوند. ایشان علاوه بر مسئولیت‌هایی که در متن مصاحبه به آن اشاره می‌کنند، مدتی معاون آموزشی وزیر آموزش و پرورش و مدتی نیز دبیرکل شورای عالی آموزش و پرورش بوده‌اند. قرار گرفتن ایشان در چنین مسئولیت‌هایی، نه تنها نشانه صلاحیت تخصصی و شخصیتی ایشان است که موجب شده است

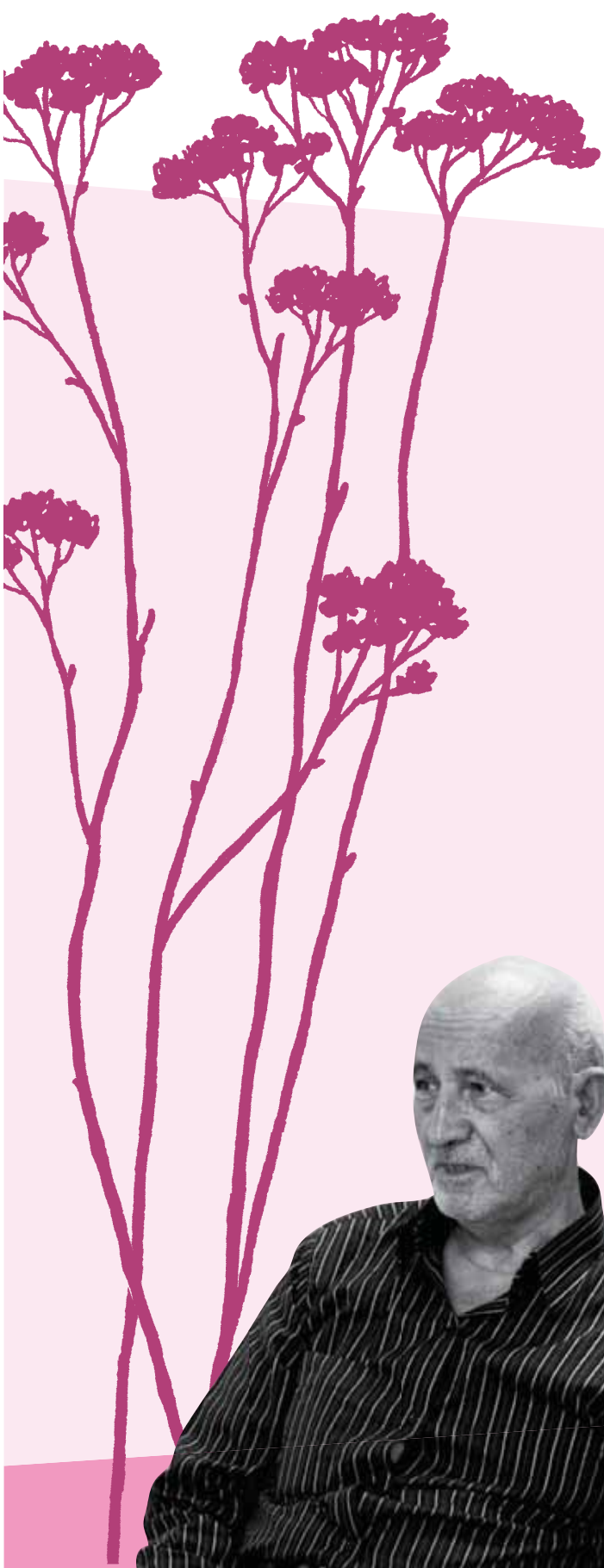


اطلاعات ذی‌قیمتی را در

حوزه‌های گوناگون، از جمله حوزه مشاوره و

راهنمایی، در اختیار داشته باشند. وجود چنین امتیازی، ما را بر آن داشت که گفت‌وگویی صمیمانه با ایشان در مورد تاریخچه تأسیس دوره راهنمایی تحصیلی و گسترش خدمات مشاوره‌ای و پیوند آن با نظام آموزشی مشاوره در آموزش عالی و نیز آموزش و پرورش انجام دهیم. حاصل این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید. چنان که خواهید دید، در نظرات ایشان نکاتی وجود دارد که می‌تواند برای برنامه‌ریزی‌های فعلی در آموزش و پرورش، بسیار سودمند باشد. برای نمونه می‌توان به تربیت نیروی انسانی مورد نیاز برای دوره راهنمایی، ۵ سال قبل از آن که این دوره تأسیس شود، اشاره کرد. مسئله‌ای که ما در تغییر نظام فعلی به آن نپرداخته‌ایم. تأسیس سال ششم در دوره ابتدایی و نیز تأسیس دوره متوسطه اول در دبیرستان، بدون هیچ‌گونه تمهیدی در زمینه آماده سازی نیروی انسانی انجام گرفته است. دست‌اندر کاران این تحول، تنها به دایر کردن دوره‌هایی چند ساعته به منظور توجیه کتاب‌های جدیدالتألیف در پایه ششم و نیز دوره اول متوسطه، بسنده کرده‌اند و این در حالی است که می‌باید نیروی مورد نیاز این دوره‌ها، بسیار پیش از آن که دایر شوند، تربیت می‌شدند. نکاتی از این دست در گفت‌وگوی ما با استاد صافی بسیار است. امید که هم مشاوران عزیز، استفاده‌ای عملی از آن ببرند.

احمد صافی، در سال ۱۳۱۶ در شهرستان گلپایگان، در خانواده‌ای فرهنگی متولد شد. دوره کودکی خود را در دبستان‌ها و دبیرستان‌های گلپایگان گذراند. وی در سمت‌های مختلفی از جمله: کارشناس دفتر راهنمایی تحصیلی، معاون دفتر راهنمای تحصیلی، مدرس دانشگاه تربیت معلم و دانشکده علوم تربیتی دانشگاه تهران و همچنین مدتی مدرس کارورزی دانشجویان فعالیت کرده است. وی درباره انتخاب رشته خود می‌گوید: «هنگام ورود به دانشسرای مقدماتی فرصتی پیدا شد تا با عموی خود (پدر آیت‌الله العظمی صافی) که از دوستان و هم شاگردی‌های آیت‌الله العظمی بروجردی در اصفهان و نجف بودند، صحبت کنم. ایشان علاقه عجیبی به امام زمان (عج) داشتند و از شعرای توانمند معاصر بودند. یکی از ویژگی‌های بارز ایشان این بود که علاقه زیادی به بچه‌ها داشت؛ به‌طور مثال قبل از رفتن به مدرسه، ما را در خانه خود می‌پذیرفت و از ما با چای پذیرایی می‌کرد. ایشان یک اسوه و الگو برای من بود. هنگام ورود به دانشسرای مقدماتی نزد ایشان رفتم و گفتم: چند راه پیش‌رو دارم: رشته طبیعی بخوانم و پزشک شوم؛ ریاضی بخوانم یا طلبه شوم یا وارد دانشسرای مقدماتی شدم و معلم شوم. پیشنهاد ایشان این بود که معلم شوم. و در ادامه گفتند: تنها به معلمی قانع نشو و به تحصیل ادامه بده و همواره ایجاد و تقویت پیوند بچه‌ها با خداوند را سرلوحه کار خود قرار بده.» استاد صافی براساس اعلام آموزش و پرورش مبنی بر اینکه هرکس دیپلم دارد، می‌تواند در رشته آموزش ابتدایی ثبت نام کند، وارد دانشسرای عالی شده و بعد



از سه سال لیسانس آموزش ابتدایی گرفته است. وی می‌گوید: «بعد از آن می‌توانستیم شغل‌های راهنمای تعلیماتی، مدیر مدرسه، تدریس در دانشسرا یا تدریس در دوره‌های ضمن خدمت را انتخاب کنیم. در واقع کسی که لیسانس می‌گرفت از طرف وزارت خانه یا بورس تحصیلی می‌گرفت، می‌توانست در این سمت‌ها کار کند.» وی در سال ۳۵-۱۳ به استخدام آموزش و پرورش درآمد و معلم شده است. سپس به بروجرد و روستاهای ازنا و الیگودرز رفته و شغل معلمی خود را آنجا آغاز کرده است. «تدریس به بچه‌ها در روستا و گذراندن این کلاس‌ها برای دوره‌های بعد بسیار سودمند بود و خاطرات جالبی را در اوایل خدمت برابرم زد. بعد از مدتی به شهر بروجرد منتقل شدم و پنج سال معلم کلاس اول دبستان بودم. براساس خاطرات و تجارب آن پنج سالی که معلم کلاس اول ابتدایی بودم، کتابی درباره نحوه رفتار با کودک دبستانی نوشتم که انجمن اولیا و مربیان آن را علاوه بر زبان فارسی به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و عربی ترجمه کرده و منتشر ساخت.» پس از آنکه فرصتی فراهم شده، استاد صافی به تهران آمده و در دانشسرای عالی در رشته آموزش ابتدایی به تحصیل ادامه داده و در سال ۱۳۴۴ لیسانس گرفته است. وی پس از فارغ‌التحصیلی، در مدارس، دانشسراهای بروجرد، خرم‌آباد و نیز دوره‌های ضمن خدمت، تدریس کرده و مدتی نیز راهنمای تعلیماتی مدارس در شهر و روستا بوده است. استاد صافی می‌گوید: «در سال ۱۳۴۵ براساس تفاهم نامه‌ای که بین آموزش و پرورش و دانشسرای عالی منعقد شد، برای اولین بار در ایران به منظور تربیت نیروی مورد نیاز برای دوره راهنمایی، رشته‌های به نام «مشاور راهنمایی» در دانشگاه تربیت معلم ایجاد شد. برای تأمین دانشجویان این رشته آموزش و پرورش اعلام کرد که هر کس پنج سال در آموزش و پرورش کار کرده است، می‌تواند در دوره فوق لیسانس مشاور راهنمایی شرکت کند. بر این اساس دارندگان درجه لیسانس در رشته‌های علوم تربیتی، روان‌شناسی و رشته آموزش ابتدایی می‌توانستند در این آزمون شرکت کنند و در صورت موفقیت در کنکور وارد دوره فوق لیسانس در دانشسرای عالی شوند. این دانشسرا رشته‌های متعددی برای تربیت دبیر داشت و حتی کسانی که می‌خواستند مدیر مدرسه شوند، باید یک سال دوره می‌دیدند. همچنین عده‌ای راهنمای تعلیماتی مدارس شهر-روستا می‌شدند. لذا دانشسرای عالی مهم‌ترین مرکز کمک کننده به وزارت آموزش و پرورش در تأمین نیرو در همه سطوح بود.» دوره اول این رشته در سال ۱۳۴۶ با ۵۰ دانشجو شروع به کار کرد. من نیز جزو این پنجاه نفر بودم. علاوه بر من برخی از دوستان از جمله آقای دکتر سیدکاظم اکرمی (وزیر اسبق آموزش و پرورش)، استاد حسن پاشا شریفی و تعداد دیگری از افراد جزو اولین دانشجویان رشته مشاوره در دانشسرای عالی بودیم. در این دوره جلال آل احمد، پروفیسور فاطمی، دکتر غلامحسین شکوهی (اولین وزیر آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران) و زنده‌یاد دکتر علی محمد کاردان تدریس می‌کردند. بعدها بسیاری از این پنجاه نفر در سمت رئیس آموزش و پرورش و معاونان منصوب شدند. من در سال ۱۳۴۸ فارغ‌التحصیل شدم و در این دانشگاه به

تدریس درس راهنمایی و مشاوره پرداختم.» استاد صافی به تاریخچه شکل‌گیری وزارت علوم اشاره کرد: «در سال ۱۲۲۸ شمسی دارالفنون و ۴ سال بعد در سال ۱۲۳۲ وزارت علوم به وجود آمد و ریاست این وزارت‌خانه به پسر ناصرالدین‌شاه که رئیس دارالفنون نیز بود، سپرده شد. در سال ۱۲۸۶، نام وزارت علوم، به وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه تغییر یافت و در سال ۱۳۱۷ با تشکیل فرهنگستان ایران، به وزارت فرهنگ تغییر نام داد و امور آموزش و پرورش و آموزش عالی و فرهنگ و اوقاف برعهده این وزارت‌خانه واگذار شد. در سال ۱۳۴۳، وزارت فرهنگ به دو وزارت‌خانه آموزش و پرورش و فرهنگ و هنر و سازمان اوقاف تقسیم شد. در سال ۱۳۴۶، وزارت علوم و آموزش عالی از وزارت آموزش و پرورش جدا شد. در سال ۱۳۵۶ دوباره ادغام موقت این دو وزارت‌خانه صورت گرفت ولی ادامه نیافت.»

استاد احمد صافی با توجه به تغییر ساختار جدید دوره‌های آموزشی و تقسیم آن به دو دوره ابتدایی و متوسطه و حذف دوره راهنمایی لازم دیدند که توضیحی در مورد نحوه شکل‌گیری دوره راهنمایی ارائه کنند. ایشان درخصوص تغییر ساختار در وزارت آموزش و پرورش و نیاز به راهنمایی و مشاوره گفتند: «در سال ۱۳۳۷ وزارت فرهنگ به این نتیجه رسید که در چگونگی انتقال دانش‌آموز به دوره متوسطه و هدایت او به دانشگاه، مشکلی وجود دارد. با توجه به تجربه‌هایی که از فرانسه داشتند، تصمیم گرفتند که هر دانش‌آموزی در دوره متوسطه پرونده تحصیلی داشته باشد. در همین سال در آبادان همه مدیران متوسطه را دعوت کردند و گفتند باید تغییری در دوره متوسطه صورت گیرد. تصمیم گرفتند افرادی را به عنوان دبیر راهنما تربیت کنند که بچه‌ها را در دوره متوسطه، راهنمایی کنند. رشته‌های مختلفی را در دوره متوسطه طراحی کردند و برای مدیران دوره‌هایی برگزار کردند. این تغییرات در همایش‌هایی که ابتدا در آبادان و بعد از آن در مشهد و سپس در تهران برگزار شد، مورد بحث قرار گرفت. از سال ۱۳۳۹ تغییراتی در بخش متوسطه تحت عنوان استفاده از راهنمایی در دوره متوسطه ایجاد کردند به این منظور که دانش‌آموز را از سیکل اول به سیکل دوم و به رشته‌ها راهنمایی کنند. بنابراین سابقه، زمینه این راهنمایی از سال ۱۳۳۷-۱۳۳۹ است آغاز شد.»

به گفته استاد صافی در سال ۱۳۴۴ هیئتی را تشکیل دادند تا نظام آموزش و پرورش را اصلاح کنند و برای اولین بار طرحی تهیه کردند با عنوان «طرح اصلاح آموزش و پرورش» که ساختار آن عبارت بود از: دوره دو ساله پیش دبستانی به نام کودکانستان، دوره پنج ساله ابتدایی، دوره سه ساله راهنمایی و دوره چهار ساله متوسطه. این طرح مصوب وزارت آموزش و پرورش بود که بعد در شورای عالی به تصویب رسید. از سال ۱۳۴۵ دوره اول این طرح آغاز شد. زمانی که این گروه از دانش‌آموزان به سال پنجم ابتدایی رسیدند، دوره راهنمایی در سال ۱۳۵۰ آغاز شد. در واقع سال تحصیلی ۵۰-۵۱ آغاز دوره راهنمایی است. برای دوره راهنمایی چند کار انجام شد. اول تربیت ۵۰ مشاور. کسی می‌توانست مشاور باشد که مدرک فوق لیسانس و قبل از آن لیسانس روان‌شناسی، علوم تربیتی یا ابتدایی داشته باشد و حداقل ۵ سال تدریس کرده باشد.

در سال ۱۳۴۸ دانشسرای راهنمایی را



تأسیس کردند. «ابتدا برای معلمان ابتدایی

دانشسرای مقدماتی و برای تأمین دبیر، دانشسرای عالی وجود داشت. وقتی در سال ۱۳۴۵ اصلاح نظام صورت گرفت، مشخص شد که تنها برای دوره راهنمایی دبیر تأمین نمی‌شود. به همین علت دانشسرای راهنمایی را تأسیس کردند که افراد دیپلم را می‌گرفت و با اعطای مدرک فوق دیپلم، آنان را آماده تدریس در دوره راهنمایی می‌کرد. اولین گروه از دانشجویان دانشسرای راهنمایی، در سال ۱۳۵۰ فارغ‌التحصیل شدند. بعد از انقلاب رشته‌های آموزش ابتدایی و به تدریج رشته‌های دینی و عربی به رشته‌های موجود در دانشسراهای تربیت معلم راهنمایی اضافه شدند. دانشسراهای تربیت معلم که فارغ‌التحصیل در مقطع فوق دیپلم داشتند، با تأسیس دانشگاه فرهنگیان در سال ۹۱ تغییر وضعیت دادند.

باتوجه به تغییر ساختار جدید آموزش و پرورش، هم‌اکنون مهم‌ترین مشکل دوره سیکل اول، تأمین دبیر است. چون دبیر این دوره قبلاً از طریق دانشسرا تأمین می‌شد؛ رشته‌ها و مراکز معلوم بودند، سهمیه معینی از دانشجویان را به مراکز تربیت معلم یا همان دانشسراهای راهنمایی می‌دادند و مدرسان بسیار قوی هم داشت، و همچنین تمام این دبیران درسی به نام راهنمایی و مشاوره در دو واحد می‌گذراندند و معلمان کمک‌کننده مشاوران بودند؛ زیرا این واحد را در دانشسرای راهنمایی گذرانده بودند.»

استاد صافی درباره حذف دوره راهنمایی در طرح جدید این چنین می‌گوید: «دوره راهنمایی در زمان‌هایی با موفقیت خوبی همراه بوده است؛ زیرا هم نیرویی برای مشاوره و هم مراکز مشاوره متعدد در شهرهای ایران بود و افراد مختلفی در این مراکز به مدرسه خدمت می‌کردند. در این جهت هم آزمون‌های استعداد و هم چندین هزار بروشور شغلی تهیه شد که در اختیار دانش‌آموزان قرار گرفت. در آن زمان برای هدایت تحصیلی دانش‌آموزان، آیین‌نامه‌های مصوب شورای عالی آموزش و پرورش وجود داشت و همچنین درس‌هایی که برای دوره راهنمایی گذاشته بودند، درس‌های مناسبی بود. به‌طور مثال درس حرفه‌وفن که الان از دوره راهنمایی حذف شده سابقه درخشانی به لحاظ علمی دارد. در طرح اولیه حرفه‌وفن دانش‌آموز سال اول راهنمایی باید با ۱۶ رشته حرفه‌های آشنا بشود. سال دوم با ۸ رشته از ۱۶ رشته و سال سوم با ۴ رشته و با توجه به همین استعدادهای دانش‌آموز را در دبیرستان ثبت نام می‌کردند.»

با توجه به تغییر ساختار در نظام آموزش در سال ۹۲ که بعد از ۴۲



سال دوره راهنمایی به متوسطه اول تغییر پیدا کرده، ارزیابی استاد صافی این چنین است: «از دید شخصی نباید نام دوره راهنمایی عوض می‌شد. به این دلیل که راهنمایی تحصیلی دو هدف را پیگیری می‌کند: اول هدف کمک به پیشرفت تحصیلی است؛ که این خاص تمام دوره‌ها اعم از ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان است، از سوی دیگر راهنمایی تحصیلی یکی از دانش‌های پیشرفته‌ای است که به بهسازی و موفقیت تحصیلی و کشف و هدایت استعداد در تمام دوره‌ها کمک می‌کند. هدف دوم راهنمای تحصیلی، کمک به انتخاب رشته است. تا سال ۶۹ قبل از اینکه طرح جدید متوسطه دوباره اصلاح شود، مشاوران دانش‌آموزان را طبق آیین‌نامه هدایت تحصیلی سه سال طی دروس راهنمایی به رشته‌های متوسطه هدایت می‌کردند و اهمیت آن این بود که در دوره متوسطه اول رشته تحصیلی آغاز نمی‌شد. در طرح نظام متوسطه تا ۱۳۶۹ انتخاب دو مرحله‌ای بود. یعنی اول مشاور، دانش‌آموز را براساس ضوابط تحصیلی و نمره به شاخه هدایت می‌کرد که شامل نظری و فنی و حرفه‌ای بود. بعد در شاخه نظری یک سال درس می‌خواند، سپس در رشته موردنظر ادامه تحصیل می‌داد؛ یعنی انتخاب شاخه در پایان دوره راهنمایی و انتخاب رشته در دوره متوسطه صورت می‌گرفت. دلیل این فرایند این بود که استعداد و علائق در دانش‌آموز باید تدریجی شکفته و شناخته شود.

در سال ۶۹ هدایت تحصیلی را از دوره راهنمایی برداشتند. در طرح متوسطه که داده شد، مواد درسی سال اول را مشترک کردند و سال اول عمومی شد. انتقادی که می‌توان در این مورد ذکر کرد، آن است که بلافاصله بعد از سال اول به جای شاخه، رشته را گذاشتند. این باعث شد تا دانش‌آموز پس از وارد شدن به دوره متوسطه در سال اول به دلیل مواجه شدن با تعداد دروس زیاد، افت تحصیلی پیدا کند؛ به‌طوری که آمار نشان می‌دهد ۳۰ درصد مردودی داشتیم. بهتر بود به دانش‌آموز راهنمایی گفته می‌شد که در سال اول متوسطه ابتدا به شاخه بیاید، بعد به رشته یعنی گذار مرحله‌ای. دانش‌آموز در سال اول در برابر ۳۰۰ رشته قرار می‌گیرد که این یک مشکل است. طبق ضوابط دانش‌آموز سال اول متوسطه مجاز است ۳۰۰ رشته انتخاب کند. از این ۳۰۰ رشته ۲۵۰ رشته آن کار و دانش، ۲۰ رشته صنعت، ۱۶ رشته خدمات، ۴ رشته کشاورزی و ۴ رشته آن نظری است. به‌طور کلی سندی که نشان دهد دوره راهنمایی ناموفق بوده است وجود ندارد.»

نکته دیگر این است که امکاناتی که به دوره‌ها داده می‌شود، مهم است. آقای صافی گفتند: «اگر در حال حاضر امکاناتی نظیر مشاور یا دبیر حاذق را به دوره متوسطه ندهند، باز هم با موفقیت توأم نیست. اگر همین دوره راهنمایی تحصیلی را که بعد از ابتدایی است، با دادن امکانات کماکان ادامه می‌دادیم و آن را اصلاح می‌کردیم، شاید با کمترین هزینه موفقیت بیشتری به دست می‌آوردیم؛ زیرا دبیر آن را داشتیم.

در حال حاضر تأمین دبیر سیکل اول خیلی دشوار است. می‌گویند کلاس

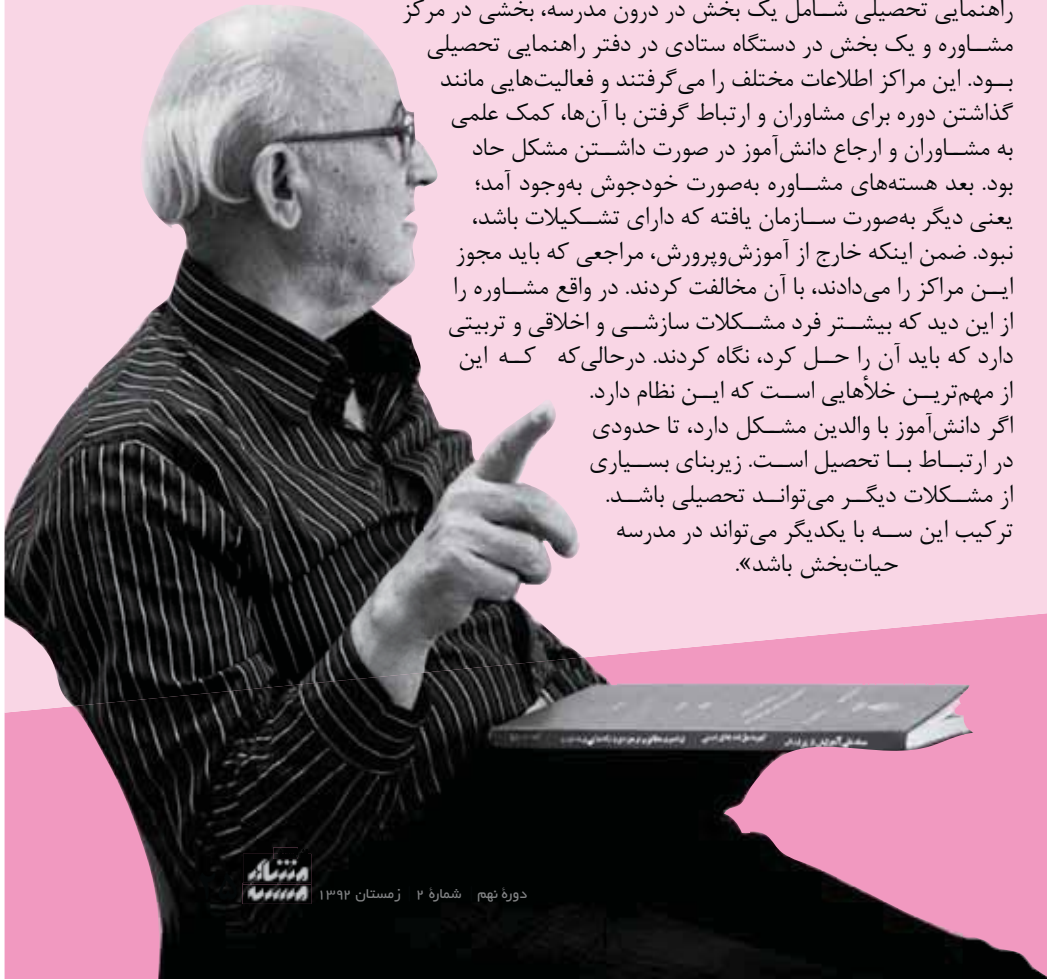


ششم با اول راهنمایی متفاوت است؛ پس دبیر آن هم باید آموزش دیده باشد. صراحت نام راهنمایی ایجاب می‌کند تا برای آن برنامه‌ریزی بیشتر انجام شود، مشاور بهتر تربیت شود و با اختصاص بودجه بیشتر استعدادهای عمومی بچه‌ها شکفته شود تا در این دوره هدایت تدریجی به شاخه صورت گیرد و بعد در دوره متوسطه به رشته مورد علاقه هدایت شود. اگر پیوند دوره‌های تحصیلی با دانشگاه فراهم نشود و اطلاعات جدیدی از دانشگاه و مشاغل در اختیار نداشته باشیم، نمی‌توانیم موفقیت زیادی در زمینه راهنمایی و مشاوره داشته باشیم».

از جمله وظایفی که استاد صافی درباره دوره راهنمایی به آن اشاره کرد: «دوره راهنمایی باید چهار خدمت ارائه کند اول، خدمت اطلاعاتی، یعنی اطلاعات مورد نظر را به دانش‌آموز بدهد؛ یعنی زمانی که برای ورود به دانشگاه باید ۱۰۰ رشته را انتخاب کند؛ آیا اطلاعاتی از آینده این رشته‌ها دارد؟ دوم خدمت مشاوره‌ای، یعنی ارتباط رو در روی یک متخصص با مراجع برای کمک به کاهش مشکلات و افزایش توانمندی‌های فرد برای اینکه خود را بشناسد. سوم ارزیابی همه‌جانبه دانش‌آموز، که از طریق آزمون پیشرفت تحصیلی که ارزیابی مداوم رفتار و دانش و معلومات و... است، صورت می‌گیرد. چهارم برنامه‌ریزی، جایگزینی، پیگیری. چه رشته‌ای بخواند؟ چگونه به دانشگاه راه پیدا کند؟ و چگونه وارد بازار کار جامعه شود؟ و همچنین پیگیری اینکه چقدر موفق است».

استاد صافی درباره زمان ایجاد مراکز مشاوره و راهنمایی نیز چنین پاسخ داد: «طرح ایجاد مراکز راهنمایی و مشاوره در مراکز استان و مناطق از سال ۵۲ آغاز شد که تا بعد از انقلاب هم ادامه داشت. این مراکز که در ساختار تشکیلاتی آموزش و پرورش بودند، بعدها به مرکز ارائه خدمات روان‌شناختی دانش‌آموزان تغییر نام پیدا کردند. بخشی از فعالیت‌های مشاوره‌ای نیز در قالب مشاوره راهنمایی و مشاوره خانواده نام قرار گرفت. آن مراکز اولیه سه نوع خدمات ارائه می‌داند: یکی عرضه اطلاعات، دوم عرضه اطلاعات شغلی و سوم ارائه مشاوره‌های سازشی در زمینه مشکلات. یعنی در بسیاری از مدارس اگر دانش‌آموز، مشکلی داشت، به آن مراکز ارجاع داده می‌شد که از مشاور یا متخصص اعصاب و روان کمک بگیرند. ساختار سیستم

راهنمایی تحصیلی شامل یک بخش در درون مدرسه، بخشی در مرکز مشاوره و یک بخش در دستگاه ستادی در دفتر راهنمایی تحصیلی بود. این مراکز اطلاعات مختلف را می‌گرفتند و فعالیت‌هایی مانند گذاشتن دوره برای مشاوران و ارتباط گرفتن با آن‌ها، کمک علمی به مشاوران و ارجاع دانش‌آموز در صورت داشتن مشکل حاد بود. بعد هسته‌های مشاوره به صورت خودجوش به وجود آمد؛ یعنی دیگر به صورت سازمان یافته که دارای تشکیلات باشد، نبود. ضمن اینکه خارج از آموزش و پرورش، مراجعی که باید مجوز این مراکز را می‌دادند، با آن مخالفت کردند. در واقع مشاوره را از این دید که بیشتر فرد مشکلات سازشی و اخلاقی و تربیتی دارد که باید آن را حل کرد، نگاه کردند. درحالی که این از مهم‌ترین خلأهایی است که این نظام دارد. اگر دانش‌آموز با والدین مشکل دارد، تا حدودی در ارتباط با تحصیل است. زیربنای بسیاری از مشکلات دیگر می‌تواند تحصیلی باشد. ترکیب این سه با یکدیگر می‌تواند در مدرسه حیات بخش باشد».



در ادامه بحث استاد صافی بیان کردند که به سفارش وزارت آموزش و پرورش، موفق شدند در سال ۱۳۶۲ کتاب اصول و فنون راهنمایی و مشاوره را برای دانشجویان مراکز تربیت معلم و مشاوران بنویسند که با اصلاحات انجام شده کماکان منبع درسی دانشجویان است و سپس به سفارش پژوهشکده تعلیم و تربیت، مسؤلیت تهیه ویژه‌نامه راهنمایی و مشاوره را برعهده داشته و آماده کردند.

در فاصله سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۹۲، توفیق یافتند علاوه بر تدریس درس راهنمایی و مشاوره، در مراکز تربیت معلم، دانشگاه الزهراء(س)، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه تهران، دانشگاه شهید رجایی، تدریس دروس راهنمایی و مشاوره و کارورزی را در دانشگاه آزاد اسلامی رودهن که عضو هیئت علمی این دانشگاه بودند، از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۰، عهده‌دار شوند.

استاد صافی در فاصله سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۹۲ موفق شدند علاوه بر کتاب



اصول و فنون راهنمایی و مشاوره، در آموزش و پرورش کتاب‌های راهنمایی و مشاوره در دوره‌های تحصیلی، راهنمایی تحصیلی در مدارس و راه‌های موفقیت در تحصیل، راهنمایی و مشاوره در دانشگاه‌ها و راه‌های موفقیت در کنکور، سازمان‌دهی و اداره خدمات راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش، راهنمایی و مشاوره در ایران، ژاپن و مالزی، تمرین معلمی و کارورزی در مدیریت و مشاوره را تألیف کنند و فصولی از کتاب‌های دیگر خود را به بحث درباره خدمات راهنمایی و مشاوره در مدارس اختصاص دهند. استاد صافی بیان کردند که موفق شدند در فاصله سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۲ تحقیقات متعددی در زمینه مدیریت آموزشی، قوانین و مقررات آموزش و پرورش خانواده و تربیت معلم و راهنمایی و مشاوره انجام دهند و یا نظارت بر آن‌ها را برعهده داشته باشند که در زمینه راهنمایی و مشاوره، برخی از این تحقیقات عبارت‌اند از:

۱. بررسی مشکلات مشاوران مدارس راهنمایی به سفارش دفتر راهنمایی تحصیلی سال ۱۳۵۳
۲. بررسی سیر تاریخی و تکوینی راهنمایی و مشاوره در ایران تا سال ۱۳۵۸، به سفارش پژوهشکده تعلیم و تربیت در سال ۱۳۵۹
۳. بررسی میزان اجرای سیاست‌های مربوط به نظام راهنمایی و مشاوره در برنامه توسعه و ارائه چشم‌اندازهای لازم برای طراحی برنامه جامع راهنمایی و مشاوره در وزارت آموزش و پرورش، به سفارش پژوهشکده تعلیم و تربیت در سال ۱۳۸۴
۴. بررسی انجام خدمات مشاوره‌ای توسط متخصصان کمیته امداد امام خمینی(ره) و تأثیر آن در حل مسائل مددجویان در سال ۱۳۸۴
۵. بررسی چکیده تحقیقات انجام شده در زمینه

راهنمایی و مشاوره، به سفارش

پژوهشکده تعلیم و تربیت در سال ۱۳۷۷

۶. راهنمایی و مشاوره و تبیین وضعیت آرمانی و ارزیابی وضع موجود و ارائه راهبردها برای آموزش و پرورش، سند ملی آموزش و پرورش ایران ۱۳۸۶

۷. بررسی وجوه ممیز و مشترک راهنمایی و مشاوره در ایران و ژاپن با تأکید بر راهنمایی تحصیلی، به سفارش دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۷

۸. بررسی وجوه ممیز و مشترک راهنمایی و مشاوره در ایران و مالزی، به سفارش پژوهشکده تعلیم و تربیت در سال ۱۳۸۹

استاد صافی با تأکید بر این نکته که در کشور ما کمتر وارد راهنمایی تحصیلی و شغلی می‌شوند، اضافه می‌کند: «براساس تحقیقاتی که انجام

شد، پیشنهاد کردم توجه به راهنمایی و مشاوره می‌تواند زمینه‌ساز کمک

به تحول در این نظام باشد. از این طریق اول

شورایی در آموزش و پرورش زیر نظر وزیر تشکیل

شود، به نام شورای سیاست‌گذاری راهنمایی

و مشاوره در آموزش و پرورش. دوم ترکیب این

شورا با معاونان وزارت خانه، مثل معاون آموزش

ابتدایی، معاون پرورشی، رئیس سازمان پژوهش

و همچنین مدیران کل ذی‌ربط. سوم اینکه از

چند متخصص روان‌شناسی و مشاوران مشاغل و

برنامه‌ریزی کشوری برای این شورا دعوت شود و

این شورا با تأکید بر دوره متوسطه برای دوره‌های

مختلف خط‌مشی استفاده از این سه خدمت را

معرفی کند.

در همین مرحله سهم هر دفتر را بدهند و

بگویند مثلاً دفتر آموزش ابتدایی درباره راهنمای

تحصیلی در ابتدایی چه کار می‌تواند بکند. جزئیات

طرح، ترکیب اعضا با عنوان طرح نتیجه و تحقیق

ارائه شود و اینکه به ازای چند دانش آموز، چند ساعت مشاوره باید در

دبستان، ارائه شود. چقدر مشاور باید تربیت شود؛ به دانشگاه‌ها سفارش

دهیم چقدر مشاور تربیت کنند؛ به‌طور مثال دانشگاه فرهنگیان که

رشته‌ای به نام راهنمایی و مشاوره تحصیلی دارد، چه تعداد از نیروی

انسانی را می‌تواند تأمین کند».

ایشان در پایان پیشنهاد کردند: «بهتر است در مجله (فصل‌نامه مشاور

مدرسه) بر این نکته که یک ساختار نظام یافته در سیستم آموزشی باشد تا

بتواند خدمات تحصیلی، شغلی و سازشی را خوب ارائه دهد تأکید و سپس

متخصصان را به افراد معرفی کنید. اینکه از چه کسی می‌توانند کمک

بگیرند؛ و به مراکز مشاور خانواده، مراکز اختلالات یادگیری و استثنایی

پیوندشان دهند و چگونگی وارد کردن این موضوع در برنامه‌های درسی و

آیین‌نامه‌ها را نیز مورد بررسی قرار دهد».

استاد صافی در پایان مصاحبه، نمونه‌هایی از آثاری که درباره راهنمایی

و مشاوره تألیف کرده‌اند، با توضیحی مختصر ارائه کردند. ایشان یادآور

شدند که پایان‌نامه کارشناسی ارشد ایشان تحت عنوان: رابطه جمعیت،

آموزش و اشتغال، در سال ۱۳۴۸ انجام گرفته است و از این تاریخ تا سال

۱۳۹۲ توفیق یافته‌اند ۳۱ کتاب به‌صورت انفرادی یا گروهی بنویسند. استاد

صافی در کتاب مسائل آموزش و پرورش ایران و سازمان‌دهی و اداره خدمات

راهنمایی و مشاوره، به موارد قوت و ضعف نظام راهنمایی و مشاوره اشاره

کرده‌اند و راه‌های استفاده بهینه از خدمات راهنمایی و مشاوره را

در دوره‌های مختلف تحصیلی پیشنهاد

کرده‌اند.